

مد و حق تعبر
لیات بر درآمد
۱۳۲۰ کلیه
صاحبان مشاغل
مول مالیات بر
مزرع (مکلفند
آمد سال پیش
وجه مشمولین
میشود که در
به ادارات و

جبان مستغلات
بگری نیز دارند
میزان در آمد
ر کلی سایر
بران واقع در

ماه ۱۳۱۷ که
موج در آمد
محل اداره کل

ل اقامت خود
۱۳۲۲ میباشد
سود و زیان
شرکتها واقع
زانی مالی محل

ن و انفرادی به

ی تسامح نموده
آمد آنها از روی
الیات مشمول
ت نشده است
ت مستقیم

لر و ما محض اطلاع
خرید و فروش آن
یم شود والا بدون
امله و تحویل جنس
اداره کل پخش

ی تقلب
یان آور
زم شد
ی امشی
ین خود

ران

جای اداره

خیابان لاله زار کوچه مهراوه بازار مختاری
کلیه ۹۰۳۶

تک شماره یک ریال

سال یکم - شماره ۸۴

پراکنده اندیشی چه اثری تواند داشت ؟

در چند شماره پیش نوشته ای از ابرار کدی اندیشه مرا شان دادیم . کتون میفرمایم دنباله سخن را گرفته
پیش رویم . میفرمایم رابطه ای را که میان آن اندیشه های پراکنده با بعضی ها و دودمان گهای ایرانیان است
روشن گردانیم . این بدینجهت و دودمان گهای پراکنده ای را که اندیشه هم می تواند یک
نوع بزرگی را بدینسان دودمان گرداند . برای دانستن اینها باید چند چیز را بدیده گرفت .

۱) « سرچشمه کار های آدمی مزارعست » شما را بهر کاری مزارع و امیدوار . مرکز اراده من است
۲) « منز تابع اندیشه هاست که در آن جا گیرد » مثلاً فلان پیره زن بزیارت سلاخه میرود و عمر
با نوا می برد ولی شما بان ریشه میکیند و اگر دستان اند آن سقاخانه را ویران خواهید کرد - این تلاوت از
آنجاست که در منز او اندیشه های دیگر است و در منز شما اندیشه های دیگر - اگر بان پیره زن هم حقایق را
یاد داده بگویم . این سقاخانه ها هیچ کاره جهان است . اینجا نه نیا به پیلان شادروانه داد بلکه سالانه صد ها
کسان را مبتلا بیماری میگرداند - و شبکه اینها را باید دیدیم . خواهیم دید دیگر او نیز بزیارت سقاخانه میرود
و لکنه باید گفت نمی تواند رفت . دیگر اراده ای که او را بکشان آورده و سوسی سقاخانه روانه گردانیده است
۳) « اندیشه های خد منز را از کار اندازد » چون دانستیم منز تابع اندیشه هاست است که در آن
جاکبره باید آسانی پذیریم که اندیشه های خد منز را از کار می اندازد . زیرا این اندیشه ها هر یکی آن را
نکار دیگری وادارد و آن در میان در مانده . فرست بدان می ماند که یک تری دولو کویتو سینه که یکی از جلو
باین سو کشد و دیگری از پشت آن سو - و پیداست که ترن در حالت آمو بیکاره خواهد ماند .
شما اگر دوسریک به راهی بایستد و یک کسی با نیا و سیمه میرسد - « واهلان اداره کداست » و شما
خود بیکر می را شان دهید و رفیقان راه دیگری را . خواهید دید که آن شخصی در مانده و نتواند بهیچ بسکی
از آن دو راه روانه گردد . از این آرمایش صد ها سوختن پیدا کرد .

اگر شما این سه مقدمه را یک اندیشید و با هم ستید رابطه ای را که در میان اندیشه های خد هم و
پریشان با دودمان گهای ایران است با سانی خواهید دید . این اندیشه ها منز را از کار انداخته و اراده ها را
سست گردانیده . ایست یک نوع بزرگی وادار مانده و بیچاره گردانیده این چیز است که خودتان با سانی توانید یافت
با اینحال ما باز هم دلیلهایی یاد می کنیم

امروز دوسر اسر جهل بیخودی رخاست و نود هده سکت ترین بردها را با هم می کنند و در سه کشورها
مردم ملت با نده خود توجه دارند و از هیچ کوفتی باز ایستند . دودنه های جهان صد افسانه که یا بد بگویم و
کشور خود را نگه داریم و آزادی را از دست ندهیم . اینجا جمله هاست که در کشورها تکرار میشود . در ایران
نیز اینسان هر روز گفته میشود و با اینحال شما اگر دقت کنید تاثیر ۱ و ۲ آنها در میان نیست و ایرانیان با همه
بی بروائی روز می گذرانند . اگر این گفته ها در ایران تاثیر داشت بایستی در کام نیست چند سنی و بکا یکی
کوئند ، « زیرا کام نیست همه کوشش است » و شما می بینید که آنچه در ایران نیست ، بکنگی و هده نیست بلکه
می بیند که بجای هده سنی به سه تن بهای بسیار کوه گاه می کوشد و هر چند نمی توانست یک سنی بدینجا آورد
دیگر چه دلیلی بالاتر از این که آن سنان را در این مردم تأثیری نباشد و هیچگاه نکانی در دلها شان بدیندی آورد
آیا این از چیست ؟ چرا این مردم با اینحال اقتاده اند ؟ چرا اندیشه خود و فرهنگ خود را نمی کنند ؟
ما با هم این پرستها را می داریم . بچاره ایرانیان یک فرد سیر خطرناکی ستلا گردیده اند . مثلاً
دو برابر همان صحنی که دوبره کشور ونگه داری آن گفته میشود در سده هده هشتاد و نه که صحنی چند آبیست
حوا ییده و من برخی از آنها را فهرست وار در اینجا میفرماید .

۱) جبر بگری و اعتقاد غضا و نمر که او به نمرین مصروف است . این هیددو کتاب است . دوشهر هاست
در رانها هست و دوسر اسر منز ها خوانیده است

۲) دولت بکار دانی نیست
و خادان هده و دوجین کره بکنش

۳) هیده بیغ بلا بوسه نقر و ملسم و مرز ددها . هر زمان که یک خطری روی آورد ، بسیاری از مردم
جای آنکه هده است باشند و بچاره آن کوشد هر یکی یک وسیله بشروع دیگری می بردانند . این خبر می کند
اگر خودش و ساداش ملسم جنت یک کوفندی بکنند . آن سر دهنوس رفته یک دهای دنگ بلا می گیرد . آن
دیگری ایده ددها و بوسل می بندد . چون این ایده ها در دلها خوانیده ایست بروای خطر نماند و بهر یی
کوشش می باشند .

۴) غراب بگری و باروهای رنده که دلها را بر گردانیده
می خورد که دمانی ز کما آمدند
چون کار به بر مراد ماموا دده رفت
روزی که کدشت ازو یک مکن
دروزی که کدشت ازو یک مکن
حلی نبیض مکن
حلی نبیض مکن

این گفته های زهر آلود که نثار و دیند خوانیده میشود تا نه دلها تأثیر کرده و بشارن و بشارن
۵) هیده های باطل بکنش « اسان باید در فکر آخرت باشد اینجهان فانیست و بهر هده بکند
می گذرد » « دنیا سنی الزمین وجه الکافر » « این دولت ملر است نیا به بلو مالیات برداشت و سرباز داد »
« اگر کسی در این جنگها کشته شود مرده است و بهیم خواهد رفت »

۶) تعلیمات صوب بگری « اسان باید در فکر تذب تبس باشد و بکارهای دنیایی بپردازد » « بچاره
اگر مجاهد با نسی است « باید کوشید و غش را کشت از آدمکتی چه نیجه تواند بود »

۷) بد آموزیهای ما دیگری « آدم باید بزرگ باشد و پول دوبرورد و زنده گانی را با خوش بسر دده
من بروم کشته شوم که دیگران استراحت خواهند کرد » از اختراست آنها پس چه نیجه خواهد بود « این نیز
صحنیست که از اروپا رسیده و در این سنی سال آخر در سراسر ایران انتشار یافت و دلها را بر گردانید .

۸) فریبکاریهای سوسیالیستی « بیس پرستی بیی » « تمام دنیا یک نیست و همه اسانها هم بیس
می باشد » این هم از صحنیست که در سالیهای آخر برانیا افتاده و دستاویزی بدست یکده شده است
بیس پرستی را بهر یی یک سنی حلت رشت صحنان منتقل که همه بد آن می باشد . رواج دارد و گوشها
دلها را بر گردانیده است . آیا اینجا تأثیری نیابت داشته باشد « آیا بیاسنی منفرها را از کار اندازد و اراده ها را
بکشد » « خاچکونه میفرمایند که آن صحنیکه دوبره کشور ونگه داری آن می گویم تأثیر کند ولی اینجا که
با زبانهای موثر تر گفته شده و از سالیها دودمان توده رواج داشته تأثیر نکند »

یکی دیگر از بدنامان

یکی از یکمردان از تیریز می نویسد

چند روز قبل از مسافرت ما کو بر کشته شاره های
برجم را خوانده و معظوظ می شدم و امیدوارم که آتیه
روزنامه برجم دوشخان تر گردانیده شود . می خواهم بداندشت
هائی از مسافرت ما کو از فطایح ضعی اکثراد ما کو
بوسم منجمله طایف مصر کائو و شیخ کائو با وجود
داشتن نول سرشار بلایم بهیست ما کوشته هجوم آورده
نام دارائی بیچاره هائی را دشتی کورمه و جوجا از نراج
فرود گزاف می کنند و در مقابل آنها دهائی غیر کرد
را دشتن اسلحه دست روی دست گذاشت از خدای
جوان استناد می خواهند . و ملت مسلح بودن اگرند
و حتی صاندا در اثر فراز کردن سر هک بلک نراد که تا
ورود دشمن ضروری نیا یک لرشی ما کو (بل پنج پشته)
بدر جورت با خواب بوده - و پس از آن اراده به بدت
روشنید وادر مقابل دشمن صحنیه گذاشته خودش به کوه
(قره غاج) یک فرسخی ما کو فراز و بد بدت اهائی
ما کو بیزس ازوشته اند این لقب « آنها بوشمت افتاده

پرچم

دارنده و نویسنده مسروری تبریزی

بنخوانندگان پرچم

چنانکه خوانندگان دانسته اند پرچم بکروزمانه ای
که تنها مقصودش بر کردن ستونهای باشد نیست اینروزنامه
برای پول پراکنده نمی شود و ما از این راه نان سیفوری
برجم برای یک مقصد بسیار بزرگیت که بلایه با آوری
کرده ایم . اگر میفرمایید مقاصد ما برجم را در یک جمله
بکنیم باینگونه میگویم « نشر حقایق » (یا بلایری پراکندن
راستها) است .

این مقصود برجم است ولی در این راه بهیستنی و
بلایری خوانندگان بلایری دارد . رابطه ما با خوانندگان
برجم آن است که ما بوسیلم و آلمان بخواننده و ما در
ی پول گرفتن باشیم و آنان با پرداختن روزانه بکریال
دو آوری وقت گذرانی باشند . رابطه ما با خوانندگان
رابطه هده سنی و برادری باید بود . ما در راه نیابت این
نوده می کوشیم و بوسیله این روزنامه بکرشته حقایق را
نشر می دهیم . خوانندگان باید دوا این بلایه باوری نیابند
بدینسان که این حقایق را خواننده نیست خود بپایرند و آنکه
اینجا را بکشان دیگری نیز برسلند و آنان را نیز با این
حقایق آشنا گردانند .

مثلاً بکرشته گفتارهای زیر عنوان « پندار ها »
نوشته میشود که دوبره مال و ستاره شماری و پیشگویی
و اینگونه چیز ها سخن می راند . این چیز ها امروزه
در میان توده رواج بی اندازه دارند .

در این توده امروز هزار ها کسان با فال بگری و
دعا نویسی و پیشگویی و ستاره شماری و مانده اینجا زندگی
می کنند . ایان گفته از آنکه مفتخوارانه و نان از
دستبرخ دیگران میخورند و این خود دیان بزرگی می
باشد بمانند دهریهای بیبای خود مرد پرا فریب می دهند
و آنان را از راه در برده دچار بشاررستی و کرامی
می گردانند . از آسوی چند رفته زبانهای دیگری
رسانند چه سا جانبهای از آنان سر میزند اینها را بلایه
دستال کرد و از میان برداشت و این دو نیجه است که
مردم را با حقایق آشنا گردانیم

بیاید . بلایه خیالانی در شهرهای ایران مسته که
استغفارهای سر سنی می کنند . بایستی که ادعا می کنند
که یک یک برشتی دویک با یکی نویسه و در پا کتار است
از باره استغفار بخواهد آنان بی آنکه دویک را با بلایه
گند با سنی بر طین آن برشتی پاسخ گفته روی با کتبی
نوسند . این یکی از خیالهای بیست که رواج بسیار یافته
یافته است . نخست اینان دودم می گردند . برخی
از آنان نیا با یک را بلایه کرده از دشمنون نوشته آگله
می گردند و برخی دیگر یک پاسخ بیسی کبیر برشتی
چور باید نوشته می فرستند مثلاً می نویسند « با توکل
بنداد امداد کی فرستد » این پاسخ با برشتی چور
تواند آمد

از آسوی ما اگر دهری ایران را بشکایم چند
نوع را می بینیم . نخست اینان مدعی خیر دانی هستند
چیزی را که ندانند نیا برای خود نگه داشته و بهر
انگیزه گان نیز ندانند ایان برای خود او را می کنند
قوم ایان بعدا دودم به معنی میشوند که هر برشتی
که بوسیله آنان از خدا کرده شود پاسخ می دهد . چنین
دودم بپشتمانی را میگویند

پس از همه اینجا بکرشته جانبهای نیا می مرنک
میشوند که کسی آگله بگردد و خیالشان نمی کنند مثلاً
فلان دن آیشنی می شود و چون با یک دوجوم می کند
کته میشود باید فلان دومان را کرد « زن مرد گردیده
از فلان ملا استغفار میخواهد و آن مرد که در پای با کت
می نویسد « بسیار خوست اقدام شود » زن بد بدت
بقصد آنکه دستور عداست و گنان خطا خوان برد سن
یان دومان غلط عایله می دهد که در شیجه آن صحنه بکته
و پس از زمانی می میرد ، و کسی از چگونگی آگله
نگردیده سیدانه که این جایات را آن لایله با شرکت این
ملای استغفار فروش کرده است
این را برای مثل می گویم « نیا این نیست و از

این استغفار فروشان جانبهای بسیار رخ آید هده . نیا
این ملایان نیستند ، مانگیر و دمال و جادوگر و دهنوس
و ستاره شمار و دیگران هکی از این جانبها دارند ،
نیا این زمینه نیست و ز بهه صای دیگر سیر برای
گرفتهای این توده توانیم شرد
مقصود است که باید خوانندگان دوشکی اینها را
ما شرکت کنند . بایستی که هر یکی از آنان خود را
و طیفه دار شمس که این حقایق را در میان توده دانند
گردانند . از آسوی هر یکی از ایشان صحنه خیالی که
از اینگونه سراخ دارند برای چاپ در روزنامه بویستند
و هر چند ، ایست آن هده سنی و بلوی که ما فرماییم
ما در باره خبر اندیشه خود را نوشتم ودر اینجا باید
آور می شویم که یکی از زمینه های هر گویی صحنه هده
تواند بود . بسیار بیجا می افند اگر کتبی این جانبهای
استغفار فروشان و دعا نویس و فالگیران را بکرشته شرد
کنند و برای چاپ بفرستند . ما که خبر بیجا می فرماییم
اینجا را خواهیم و سینه

بهای اشتراک
۱۳۰۰ ریال شش ماهه
۲۰۰۰ ریال یک ساله
بهای آگهی
هر سطر : صده دوم ۴ ریال صفحه دوم ۲ ریال
صفحه چهارم ۴ ریال

شنبه ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۲۱

آقا عمو اغلی



آقا عمو اغلی یکی از
سردستان مجاهدان بود که
دو جنگ های تیریز شرکت
می نمودند و چون در محرم
۱۳۳۰ و صیانت چهره
گردیدند و صد خان به
تیریز آمد و کسانیکه از
مجاهدان و آزادی خواهان
در شهر مانده بودند بپایان
گردیدند و با بهرست دژ خیابان
افتادند . آقا عمو اغلی یکی از
کسانی بود که بپایان گردیدند
و بیکال در نهانگاه می
زیست تا کتبی در پیش
صد خان بپایبگری کردند
و بولهای دادند و رسایل
برایش گرفتند و آقا عمو اغلی
از نهانگاه بیرون آمدند
عکس بالا با ریش آبله و
پریشان باد گلر آروزیست
که از نهانگاه بیرون آمده
بودند . آقا عمو اغلی اکنون
در تبریز زنده است

بخانه علی اقبالی - مهندس کشاورزی

برای کشاورزی چه کار باید کرد

۱ - داشتن جمعیت سالم و کارگر

و زده آشنا با خوشیهای مسولی و بومی لازم است احرام
کردد این پزشک باید با دوساله کوچکی در دست داشته
باشد تا بتواند سهولت بیلان را مطالعه نماید
برای انجام این استت گون پزشک گم داریم و
چنانچه گفته شد باید تهیه آمانه سالم تا هنگامیکه نیجه
پزشکان کار آرموده میسر نشده و بیلان قابل بیلر سانی
و پزشکان مجاز باید استفاده شود این پزشکان امرای
سفر باید آندرو سالی کار و زندگی داشته باشند که برای
رحیدن دارو و بیره اوقاشان تلف نشود

راجع بالا را بیل از چه باید با نیاها و خشک نبود
خوشبختانه ایران دارای بیلانهای زیاد و وسیع هستند
نبوده و بیلانهای آن مربوط بپند نامه مقصود است
خشک شدن آنها بواسطه وحیبت زمین آسان و کم خرج
میشود و با ازین برین آیه سالا را به کن می شود
- کشت محصول تریاک مثلا در دین عامه مرسوم
رندای دارد اینجا بواسطه صدمه بیلون و بال برآمده از
سج کشش میسرند در صورتیکه این راه صحنی بیسود
است بچاره از نظر صحنی تریاک یک جلانه را آورد
نبوده و از نظر کشاورزی برای ملت آبی و خوری
شهادت در کار و ضلالت کشاورزان را از میان برده
است بالاخره از نظر مالی چون نمی بیلون نومان بزرگ
بظریمرسه گنان می کند باید بکشت آن اراده داد این
مردان بیون رقم صیده بیلون را با چهار صد ملیارد بوده
کشور که سالیانه بیسود معارف میشد غلبه شده و بیون
نی کنند که در ملت گمی می توان چندین صده میلیون
و بال را جالبین درآمد تریاک پیدا نمود -

کشت تریاک از طریقی چون احتیاج با آب کفر و از
صحنی بیغ قوری بیشتری در بردارد آرمه محصول جوی
می دانند
بچاره ما این آب کسی که این محصول لازم دارد
در آمدش ظاهراً بیشتر از هر کشت دیگری می باشد این
کشاورزان بکشت آن راغبتر می باشند ولی این
دلایل در مقابل خوشحی کشاور با اندازه کوچک
که صحنه هوس و عین دارند زیرا نیجه آب و نیبست
محصول دیگری بجای تریاک خفای ساده است که بایزند
گشگو نیست بدین جهت باید کشت تریاک را هر چه
زودتر ریشه کن شود
- پس از این کار ها که دیباچه اودید نفوس است
در دهستانها باید هر چه زودتر از دواخ دهانهای جوان
را نشویند و آنها را وادار به زناشویی نمود - ولی باید
دقت شود که سن دختران کتر از هیجده سال نباشد
زیرا بهر چه رسیده مردان جوانی که از این سن بپایان
از دواخ نبوده اند چون نود بدشان کامل نبوده و مردان
دوای تیریز جسانی درستی نبوده و این خود یکی از
علل اضطراب نسل است
مردان جوان و سالم که وسایل طعمائی تشکیل
راندگی سالیانه را ندارند باید میلی صحنان یک کت بدست
دهان فرم داده شود بطوری که از سال پنجم بپیش شروع
به اشتغال دین خود نمایند
مثلاً اگر در صحنان اول یک خانمان از سه اولاد

با آن روش و آیینی که همه میداند مشمولین دهائی
و ایلات را بشیر آورده و با تریکی که دودم جانیده شده
پس از اینکه خدمتشان پایان یافت بجهای بلایری
بیشترشان در شهر ها سله کی کار گری و توری و
بیره پرداختند و از دشمن در زندگی شهری نیستند
و کار کشاورزی سر دده دوم می نمایند امراض خطرناک
براز میگیرند و هنگامیکه به بلایه میگردند (لقب باخوشی
های خانان سوز را چون سرفات سلفه ابراس خود
می برند

- از ارات شوم تریاک مشروبات الکلی بیشتر بوده و
خطر آن کتر از ناخوشیهای طاری نیست چون برای
تولید نسل جوان و نیرومند خون پاک لازمست - و مندرین
هم با نیا می باشند از روی مسئله نفوس دوایران موضوع
اصلی بوده و بطر بکار به سایر نودها را فرمی باید شرد
می سال پیش مفرغه کانیهای بپایان صحت
ایران و پیش از سالی چهل کردو می نوشته امروز
قریباً از بیست و چهار کردو تجاوز نکرده و بیست سال
دیگر اگر این وضعیت ادامه یابد نفوس ایران به نصف
خواهد رسید این اضطراب بخت تواند و تا سالیان زیاد برای
مقابر بسیاری دارد برای جلوگیری از این خطر با سنی
هر چه زودتر اقدام کرد - (کتون آنچه برای چاره جوی
نظر بنگرند رسیده دوزر نوشته میشود و بر مکتوب
است که راه علاج قطعی را سر بیا پیدا نمایند

- نسبت باید در کلیه قوانین که متعلقا با ابراد
چایه سرو کار دارند تجدید نظر کرده و اصلاح شوند و با
اینکه هر وقت اعظم زندگی مردم ایران روستائی
است برای روستائی ها امتیازی در نظر گیرند که زندگی
کشاورزان بدون درد سرباشد
- آنکه با صحنه تیریز باید پرداخت بپیشترشان
را نامل و سوسوگ خراط حکیم که خدمت با نود دارد
و اس کمال زندگی فراز داده بود آگله و آشناسان
مقابله و طوطه خود را آموزش کنند سبب لازمه اضطراب و طینه
رادر دسترس آنها گذاشت تا این پزشکی مدخل به بیش
بلایری شود بطور عموم آنها بیکه برای صحنه خطرناک
و نام پزشک و پزشکی را به نام نبوده اند باید از میان
برداشت و کشور را از این امر بپایان فرست نامر هید
پزشکان نیز باید فراموش کنند که سلاشی افراد
این کشور نیست آنها سیرده شده و غای آنان نیز هر من
کار ایشان خواهد بود

مخدومهای و غل برشتی نباید فراموش و هز هسی
را باورد کنند - باید فکر ساینه که نام خانم این کشور
از آن ایران وایرانی بوده و بیام خدمت بپشتمان و شهر
های کوچک هم خدمت و نیجه کنند
پهاری کشور با سنی و نظایبش نیز از این باشد که
فلان صحنی می کند باید در ادویه و نشویند پزشکان بکوشد
تا آسان با علاقه صحنی مانده سایر کارمندان دولت بپیر غلط
کشور بروند و آموزش سلاشی مردم دهستانها را هم مانده
اصلی شهر ستانها بظنر گیرند
در دهستانها برای هر ده ۱۲ دهکده یک پزشک

